

دکتر ناصر تکمیل همایون*

مدرسه عالی سیاسی**

چکیده:

در میانه دوره قاجار، در نتیجه برقراری ارتباطات سیاسی گسترده با کشورهای دیگر، تأسیس مدرسه‌ای برای شناخت مسائل مربوط به روابط خارجی و دیپلماتیک و نیز تربیت کادر متخصص سیاسی برای وزارت امور خارجه ضرورت خود را نشان داد. با آنکه این نیاز سیاسی در دوره سلطنت ناصرالدین شاه محسوس شده بود، اما کار مدرسه عالی سیاسی در دوره مظفرالدین شاه آغاز شد و پس از چند سال فعالیت آموزشی، با تأسیس دانشگاه تهران در ۱۳۱۳ کار خود را به صورت دانشکده حقوق و علوم سیاسی ادامه داد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

واژگان کلیدی: آموزش عالی، مدرسه‌های جدید، علوم سیاسی، سیاست خارجی، وزارت امور خارجه، میرزا حسن خان مشیرالدوله.

* استاد و عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

** این مقاله در چارچوب طرح «نقش دانشکده حقوق و علوم سیاسی در توسعه علم سیاست در ایران» تهیه و

عرضه شده است.

درآمد

مباحث سیاسی و اجتماعی در مدرسه‌های قدیمی در رشته معقول، در درس‌های فلسفی، تدریس می‌شده است، و در رشته منقول، در درس فقه احکامی که جنبه‌های عمومی داشتند، مورد مذاقه قرار می‌گرفته است. برای شناخت نهادهای حکومتی و تکالیف آن جایگاه خاصی در مدرسه‌های قدیم وجود نداشته است و مسئولان این امر در رده‌های گوناگون، در برخورداری از کارهای عملی و تجربی یکدیگر آگاهی‌هایی به دست آورده‌اند و در این مورد نیز به سان بسیاری از علوم و فنون جنبه‌های شفاهی و شیوه «آموزش سینه به سینه» جریان داشته است و چون فرزندان بیش از دیگران می‌توانستند از دانش و تجربه پدر برخوردار باشند، این گونه مشاغل جنبه ارثی و خانوادگی هم پیدا کرده است.

مسائل دیپلماسی و سیاسی همانند برخی دانش‌های جدید در آغاز تاریخ معاصر ایران چشمگیری بیشتری یافته است. در این دوره پس از قتل آقا محمدخان و توسعه‌طلبی‌های روسیه و بریتانیا در سرزمین‌های ایرانی و برپایی دو جنگ ناخواسته روسیه بر ضد ایران و انعقاد دو قرارداد تحمیلی گلستان (شوال ۱۲۲۸ ق/ ۱۸۱۳ م) و ترکمنچای (شعبان ۱۲۴۳ ق/ فوریه ۱۸۲۸ م) و نیز سلطه خواهی انگلستان در جنوب و شرق ایران، پدید آمدن شرایط جهانی قرن نوزدهم و نیازهای جدید درون مرزی و برون مرزی، برقراری روابط «بین‌الدولی» محسوس‌تر گردید و در پی تصویب کنوانسیون وین^۱ در تاریخ ۱۸۱۵ میلادی (۱۲۳۰ ق) و برپایی کنفرانس اکس لاشاپل^۲ در تاریخ ۱۸۱۸ میلادی (۱۲۳۳ ق) و حضور فرستادگان اروپایی، روسیه، عثمانی و فرانسه در ایران، لزوم توجه به این امر تاریخی بیش از گذشته، ذهن شاه و صاحبان قدرت را به خود مشغول کرد.

۱- تأسیس وزارت امور خارجه

در سال ۱۲۳۶ قمری (۱۸۲۱ م) برای نخستین بار فتحعلی شاه دستور تأسیس وزارت امور خارجه را در ایران صادر کرد و «مقرب الخاقان» میرزا عبدالوهاب نشاط اصفهانی

1- Convention Wien.

2- Aix - Lachapelle.

«منشی الممالک» با احترامات کامل و وافی به «انتظام مهمات وزارت خارجه» منصوب گردید. وی و همکارانش بر پایه رسوم بازمانده از عصر صفویه و پاره‌ای اقتباس‌ها از دولت عثمانی «از روی دقت و اهتمام تمام به لوازم خدمات مفصله» اقدام کرد. (محیط طباطبایی، ۱۳۳۹، ص ۲۷)

مرحوم محیط طباطبایی درباره این شخصیت دیوانی ایران نوشته است:

«نشاط در اثر تجربه‌های تلخی که از حوادث یک صد ساله تاریخ ایران [=دوران آشوب] به ویژه سرگذشت اصفهان و بالاتر از آن عواقب و خیم جنگ‌های ایران و روس و پیمان گسلی‌های دول بزرگ غربی در موارد لازم و بی‌وفایی آنها از تقدیم مساعدت‌های معهود پیدا کرده بود، طرح سیاست خارجی ایران را به شکلی افکند که بعدها قائم مقام و میرزا تقی خان، دنباله آن را گرفته، ترتیبی اختیار کردند که از آن به «مدارا» و «سازش» و «موازنه» تعبیر می‌شد». (محیط طباطبایی، ۱۳۳۹، ص ۳۲)

در دوره قائم مقام اصلاحاتی صورت گرفت، اما در دوره امیرکبیر اصلاحات در باب «مهام خارجه» چشمگیرتر بود، به طوری که مرحوم عباس اقبال آورده است «در دوره کوتاهی که وزارت دول خارجه مستقیماً تحت اداره امیرکبیر قرار یافت به تدریج سر و صورتی پیدا کرد. ثبت و ضبط آن منظم شد و ترتیب تذکره به شکل صحیحی مجری گردید. مأمورین ایران در خارجه موظف شدند که از حوزه مأموریت خود و احوال اتباع ایران در آن حوزه‌ها همه‌ماه اطلاعاتی صحیح و مرتب به وزارتخانه بفرستند و در باب جزئیات امور از امیر و دستگاه سیاسی او در تهران دستور بگیرند. ثبت و ضبط مرتب وزارت امور خارجه، در حقیقت از دوره امیر است و قبل از آن تاریخ کمتر سند یا نوشته‌ای است که به جا مانده باشد. (اقبال آشنایی، ۱۳۲۰، ص ۲۳۲)

بعد از امیرکبیر در دوره میرزا حسین خان سپه‌سالار، به‌ویژه در دوره میرزا سعیدخان مؤتمن‌الملک وزارت خارجه ایران تحول دیگری پیدا کرد. در سال ۱۲۹۹ قمری (۱۸۸۱ م)، «نظامنامه وزارت جلیله خارجه» در بیست و پنج فصل تهیه شد و بر این «نظامنامه» وزارتی «اساسنامه‌ای» هم منضم گردید و به امضای ناصرالدین شاه هم رسید. (خوشرو، ۱۳۷۶، صص ۱۲۳-۱۱۳) پس از قتل ناصرالدین شاه در دوره صدارت امین‌السلطان، نصرالله خان نائینی (مصباح‌الملک، مشیرالملک، مشیرالدوله) بر مسند وزارت امور خارجه جای گرفت و از سال

۱۳۱۷ تا ۱۳۲۴ قمری (سال پیروزی نهضت مشروطیت) در مقام خود باقی ماند و در این مدت نوآوری‌هایی پدید آورد که مهم‌ترین آنها تدوین «نظامنامه جدید وزارت امور خارجه» و «نظامنامه دخول در وزارت امور خارجه» و تنظیم «مقررات و محاکمات کنسولی و نظامنامه آن» و فراهم آوردن شرایط «عضویت ایران در انجمن صلح لاهه» و نیز «تأسیس مدرسه علوم سیاسی» است که به چگونگی آن مبادرت می‌شود. (خوشرو، ۱۳۷۶، صص ۷۳-۱۶۸)

۲- مقدمات ایجاد مدرسه عالی سیاسی

از روزگار زمامداری امیرکبیر به بعد به ویژه با تأسیس وزارت علوم در سال ۱۲۷۲ قمری (۱۸۵۵م) و انتخاب علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه به سمت وزیر، در برابر مکتبخانه‌های قدیم و مدرسه‌های دینی از یک‌سو و مراکز آموزشی و فرهنگی میسیونرهای بیگانه در ایران، از سوی دیگر، حرکتی در جامعه پدید آمد که شاید بتوان آن را «نهضت جدید مدرسه‌سازی» نام داد. این امر بعدها با تأسیس «انجمن تأسیس مکاتب ملیه ایران» به نام «انجمن معارف» شهرت یافت، رونق گرفت و مردم نیز با اشتیاق تمام از آن استقبال کردند. مظفرالدین شاه نیز در فرمانی خطاب به جعفر قلی خان نیرالملک (برادر علیقلی خان مخبرالدوله) نه تنها از توسعه این مدارس اظهار رضایت کرده بود، بلکه به صراحت در این باره یادآوری کرده است: «از طرف ما باید مراقبت و توجه مخصوص در این باب بشود و در حقیقت ریاست این اداره و مجلس حق شخص همایون ماست، لهذا شما را که شخص مجرب کافی و دولتمخواه و بی‌غرض و از اوضاع داخله و خارجه کاملاً با اطلاع هستید از جانب خودمان مخصوصاً مأموریت می‌دهیم که زایدأ علی‌ماسبق، مراقبات کامله در انتظام امر مدارس و مکاتب و مجلس انجمن معارف و صندوق انجمن و حفظ احترام اعضای آن به عمل آورده و...» (افضل‌الملک، ۱۳۶۱، ص ۲۸۵) اما پاره‌ای معضلات شخصی و کمبود صداقت و دقت نظر پاره‌ای از «معارف خواهان»، شرایط لازم را فراهم نیاورد تا در برابر ناتوانی‌های دولت در امر آموزش و پرورش، جامعه خود بتواند نهاد مزبور را به رشد و توسعه کامل برساند. همچنین مسائل مالی (برخوردهای اقتصادی) و دور بودن اعیان و کار به دستانی که این نهضت را «کار تغنی» دانسته و فقط از آن به عنوان «نردبان» ترقی سود می‌جستند، از رسالت اصلی، وقفه‌ای در روند نظام جدید آموزشی در ایران به وجود آورد. امر دیگری هم که به

درستی مرحوم دکتر محبوبی اردکانی به آن اشاره دارد، این است:

«این مدارس وقتی می‌توانست در پیشرفت فهم و ترقی افکار و رشد عامه مردم مؤثر واقع شود که به دنباله آنها مدارس متوسطه و عالی منظم و صحیح هم باشد. چه تحصیلاتی که موجب ترقی فکر می‌شود تحصیلات عالیہ است که با آزادی تحریر و تقریر و بحث و استدلال همراه باشد و دبستان پله اول رسیدن به این هدف است.» (محبوبی اردکانی، ۱۳۵۴، ص ۳۹۷)

در ایران دوره مظفری تنها مرکز تحصیلات عالی، «مدرسه طب» بود که به همت میرزا تقی خان پدید آمد، اما نیازهای گوناگون جامعه، مراکز دیگری را طلب می‌کرد که دولت به سختی می‌توانست پاسخگو و برآورنده آنها باشد.

تأسیس «مدرسه علوم سیاسی» به گونه دومین مرکز تحصیلات عالی، اقدامی کارساز به شمار رفته که پاره‌ای نیازهای جامعه، ایجاد آن را محقق کرده بود و عمده‌ترین آنها توسعه ارتباط‌های روزافزون ایران با کشورهای اروپایی و لزوم شناخت آن قاره و اوضاع و احوال سیاسی و آداب و رسوم درباری و دیپلماسی بوده است.

ایرانیان با آنکه به آداب‌دانی مشهور هستند، از آغاز برقراری رابطه‌های سیاسی با اروپا شایستگی خود را نشان داده‌اند، اما آن گونه که باید به عادات و رسوم و مقررات معمول در اروپا آگاه نبودند. در زمانی که برقراری رابطه سیاسی و دیپلماتیک با کشورهای خارجی توسعه یافت نیاز به داشتن متخصصان سیاسی و دیپلمات و آگاهان به حقوق بین‌الملل بیشتر احساس شد. ناگفته نماند از زمانی که «کاروان معرفت» به سوی اروپا به حرکت درآمد، محصلانی هم برای تحصیل علوم سیاسی و حقوق بین‌الملل اعزام شدند. میرزا رضاخان گرانمایه «پس میرزا حسین سربابی منشی و همسفر فرخ‌خان غفاری امین‌الدوله به پاریس)، میرزا عبدالله (پسر محمدخان صدیق‌الملک)، میرزا زین‌العابدین کاشانی و احتمالاً چند تن دیگر در این زمره هستند. مرحوم عبدالله مستوفی که خود از فارغ‌التحصیل‌های دوره‌های اول مدرسه علوم سیاسی بود درباره اعزام فرزندان اعیان و اشراف به خارج از کشور برای تحصیل نوشته است: «مشیرالدوله در وقتی که مصباح‌الملک و رئیس اداره روس بود، سه پسر خود حسن و حسین و علی را برای تحصیل به اروپا فرستاده بود. علی پسر زیبا و برازنده او در اروپا مسلول و بدرود زندگی گفت ولی حسن و حسین، اولی قسمت حقوق دارالفنون مسکو را تمام کرد و دومی در مدرسه پلی تکنیک فرانسه

مشغول تحصیل بود. وزارت امور خارجه مشیرالدوله (میرزا نصرالله خان) مصادف با وقتی بود که میرزا حسن خان پسر ارشدش مدرسه حقوق را تمام کرده و به سمت وابسته وارد سفارت ایران در پترزبورگ شده بود. چون وجود میرزا حسن خان در تهران و کمک با پدر بیشتر از اقامت در پترزبورگ قانع بود، او را به تهران خواست و لقب سابق خودش، یعنی مشیرالملک لقب او گشت». (مستوفی، ۱۳۲۱، جلد ۲، ص ۶۹)

مشیرالملک در تهران ریاست کابینه وزارت خارجه را بر عهده داشت و «منشی مخصوص» صدراعظم (= میرزا علی اصغر خان امین السلطان) نیز گردید.

مستوفی تأسیس مدرسه علوم سیاسی را اثر فکر همین جوان تحصیل کرده، فرزند وزیر امور خارجه ایران دانسته است و در توضیح آن نوشته است که این جوان «تحصیل کرده» از همان آغاز کار توجه یافت که: «کار از ریشه خراب است و تا مبنای علمی برای اعضای وزارت خارجه دست و پا نشود هرچه بکند نقش بر آب خواهد بود. از طرف دیگر حالا که جلو افتتاح مدارس باز شده و شاه و صدراعظم از آن جلوگیری ندارند، چه از این بهتر که مدرسه‌ای هم که در آن علوم عالی سیاسی تدریس شود، دایره نمایندگی و کار معارف و فرهنگ اساسی کشور را پیشرفتی بدهند». (مستوفی، ۱۳۲۱، جلد ۲، ص ۶۹)

۳- افتتاح رسمی مدرسه

نخستین کاری که مرحوم میرزا نصرالله خان مشیرالدوله و پسرش میرزا حسن خان مشیرالملک انجام دادند، توضیح محسنات این اقدام به شاه و صدراعظم و جلب رضایت آنان در تأسیس مدرسه مزبور بود و پس از آن، تعیین «بودجه» جهت راه انداختن نهادی آن چنانی مطرح گردید که از طریق اختصاص «تفاوت عمل» معدن فیروزه خراسان به مبلغ چهارهزار تومان سالیانه فراهم آمد، (مستوفی، ۱۳۲۱، جلد ۲، ص ۶۹) و پس از مدتی از «محل عواید حاصله از صدور تذکره که درآمد ثابت تری بود» وضع مالی مدرسه تأمین بیشتری پیدا کرد (محبوبی، ۱۳۵۴، صص ۲۰۱-۲۰۰) و «این استحکام مالی تا اوائل مشروطیت ادامه داشت». (سالنامه دانشکده حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی، ۱۵-۱۳۱۴، ص ۳۰۴)

میرزا حسن خان مشیرالملک پس از آن به دنبال محلی مناسب برای مدرسه و انتخاب

کارگزاری برجسته برای اداره آن و تنظیم برنامه دروس و تعیین استادانی در خور کوشش‌های خود را آغاز کرد. محل مدرسه در خیابان ادیب (روبه‌روی منزل ارباب جمشید یکی از خانه‌های نصرالله خان سپه‌سالار) انتخاب شد و میز و نیمکت و صندلی و تخته سیاه و جز اینها فراهم گردید. مدرسه مزبور در زمره ادارات مستقل وزارت خارجه به شمار می‌آمد که مشیرالملک از طرف وزیر امور خارجه، ریاست آن را بر عهده داشت. معاونت مدرسه را نیز به همان طریق، میرزا عبدالله خان قوام‌الوزراء (محقق الدوله) پسر میرزا هاشم‌خان امین‌دربار (فارغ‌التحصیل مدرسه‌های اروپایی) عهده‌دار بود و او در واقع کفیل و مدیر مدرسه شناخته می‌شد.

پس از نام‌نویسی محصلان (از ۱۵ تا ۲۲ سال)، در پی امتحانی که جنبه ورودی (= کنکور) داشت (صرف و نحو عربی - حساب و ریاضیات، خط و انشاء و املاء و شرکت در جلسه پرسش و پاسخ استادان) و پذیرش آنان و رسیدن عددشان به شانزده، هفده تن مدرسه علوم سیاسی ایران در عید نیمه شعبان ۱۳۱۷ قمری (۱۸۹۹ م - ۱۸ آذرماه ۱۲۷۸) با حضور وزیر امور خارجه میرزا نصرالله خان مشیرالدوله، به شیوه رسمی افتتاح شد و مشیرالملک با تدریس درس خود (= حقوق بین‌الملل)، آموزش جدید را در مدرسه‌های نو بنیاد آغاز کرد. تا سال ۱۳۲۲ قمری (۱۹۰۴ م) مشیرالملک در مقام ریاست بر مدرسه باقی ماند و زمانی که به سفارت پترزبورگ (پترزبورگ) رفت، برادرش میرزا حسین خان مؤتمن‌الملک که از پترزبورگ به تهران آمده بود، ریاست مدرسه را که مدتی کوتاه محمدحسین خان فروغی (ذکاء‌الملک اول) عهده‌دار بود، وی بر عهده گرفت و کفالت مدرسه همچنان با محقق‌الدوله بود. همزمان به علت خرابی در ساختمان مدرسه به خانه وسیع‌تری در خیابان برق (امیرکبیر کنونی) نزدیک بانک شاهنشاهی (متعلق به بیگلربیگی) انتقال یافت. محصلان دوره‌های اول مدرسه از بهترین دانش‌آموزان مدرسه‌های دارالفنون و علمیه و درس خوانده خانه و مکتب‌خانه بودند و بعدها از مفاخر سیاسی و فرهنگی کشور به شمار آمدند. مشهورترین آنان عبارتند:

علامه علی‌اکبر دهخدا، قزوینی، سیدباقر کاظمی (مهدب الدوله)، میرزا محمدعلی خان احتشام‌همایون علو‌میر (پسر معین‌الدوله)، داود خان (پسر عماد نظام برادرزاده سهام‌الدوله جلیلود)، میرزا تقی‌خان عظیمی، میرزا اسدالله‌خان بهنام، میرزا جعفرخان پاک‌نظر، صادق اعتلاء، محمود ثقفی (برادر اعلم‌الدوله) علینقلی خان علاء‌السلطان، میرزا سید مهدی‌خان

متین السلطنه (فرخ)، جلال‌الدین خان کیهان، میرزا اسحق خان رهبر، میرزا علی محمدخان اویسی، سیف‌الله خان (پسر سردار معتضد)، دکتر علی اکبر سیاسی، عبدالله مستوفی (مبصر کلاس) و چند تن دیگر. (مستوفی، ۱۳۲۱، ۷۹-۱/۷۰)

پس از مشروطیت در سال ۱۳۲۵ قمری (۱۹۰۷ م) مرحوم محمدعلی فروغی (ذکاء‌الملک دوم) عهده‌دار ریاست مدرسه گردید و از سال ۱۳۲۷ قمری (۱۹۰۹ م) مرحوم دکتر ولی‌الله خان نصر جانشین وی شد و پس از او مرحوم عبدالحسین خان شبیانی (وحیدالملک) و پس از مدتی مرحوم دکتر علی پرتو (حکیم اعظم) مقام ریاست مدرسه را از طرف وزیر خارجه عهده‌دار بودند. (۱)

در پی کودتای ۱۲۹۹ خورشیدی، به دلایل گوناگونی تأسیس مدرسه حقوق (وابسته به وزارت عدلیه در دوره نصرت‌الدوله) مورد توجه متصدیان قضایی و حکومتی قرار گرفت. موسیو پرنی (مستشار وزارت عدلیه و عضو هیأت نمایندگان ایران در جامعه ملل) به معاونت مرحوم جواد عامری مسئولیت یافت تا استادانی را برای تدریس در این مدرسه انتخاب و استخدام نماید و در پی انجام کارهای مقدماتی خود، به ریاست مدرسه نیز برگزیده شد.

در سال ۱۳۰۴ خورشیدی علی اکبر خان داور قسمت تجارت را نیز بر این مدرسه افزود و در زمان وزارت سید محمد تدین، از اول اسفندماه ۱۳۰۵ خورشیدی، مدرسه سیاسی به موجب تصویب‌نامه هیأت معظم دولت، از وزارت خارجه منتزع و ضمیمه وزارت معارف شده است. در هشتاد و هفتمین جلسه شورای عالی معارف، مدرسه حقوق به مدرسه سیاسی توأم و اساسنامه مدرسه سیاسی و حقوق در تاریخ ۱۵ شهریور ۱۳۰۶ به تصویب رسید. روز شنبه دوم مهر حضرت آقای وزیر معارف در مجلسی مرکب از آقایان رؤسای وزارت معارف و معلمین محترم و محصلین، افتتاح مدرسه را در ضمن نطق مبسوطی اعلام و آقای میرزاعلی اکبرخان دهخدا را به سمت مدیری معرفی فرمودند. «مدرسه عالی حقوق و علوم سیاسی، مجله تعلیم و تربیت، ش ۵، صص ۴۵-۴۴»

در سال ۱۳۱۳ خورشیدی که دانشگاه تهران تأسیس شد، مدرسه‌های عالی، مدرسه طب، دارالمعلمین عالی (دانشسرای عالی) و از آن میان «مدرسه عالی حقوق و سیاسی» نیز در دانشگاه تهران ادغام شدند و به دلیل ضمیمه بودن تجارت به مدرسه حقوق، نام جدید «دانشکده حقوق

و علوم سیاسی و اقتصادی» سال‌ها به عنوان یک نهاد علمی و پرجاذبه و فعال در دانشگاه تهران درخشش داشت. (زمانیان، ۱۳۱۷، ص ۱۳)

۴- نظامنامه‌های مدرسه

بر پایه پژوهش‌های انجام شده در سازمان اسناد ملی ایران توسط مجید تفرشی و تحلیل و نگارش چنگیز پهلوان، سه نظامنامه درباره این مدرسه در دسترس محققان قرار دارد.

الف - نظامنامه‌های اول و دوم

نظامنامه اول به تاریخ دهم محرم الحرام ۱۳۲۶ و نظامنامه دوم به تاریخ چهاردهم محرم ۱۳۳۳ قمری - نظامنامه دارای شش بخش به شرح زیر است:

۱- اداره مدرسه ۲- شرایط دخول متعلمین ۳- ترتیب تحصیلات مدرسه ۴- ترتیب اوقات مدرسه ۵- ترتیب امتحانات مدرسه ۶- نظام مدرسه و نظامنامه دوم نیز همانند آن است با این تفاوت که نظامنامه اول دارای ۹ ماده و نظامنامه دوم دارای ۱۰ ماده است. دکتر پهلوان هر دو نظامنامه را در بخش‌های ششگانه به شرح زیر مقایسه کرده است:

اول - اداره مدرسه

«در هر دو نظامنامه آورده شده که مدرسه را یک نفر مدیر اداره می‌کند که وزیر خارجه او را تعیین می‌کند. در نظامنامه دوم روشن می‌شود که این مدیر همدریف مدیر اول [= مدیرکل] وزارت خارجه است. در نظامنامه دوم همچنین آمده است که مدرسه دارای یک ناظم خواهد بود. عزل و نصب اجزاء مدرسه توسط وزیر امور خارجه است با موافقت مدیر. در نظامنامه اول موافقت انجمن معلمین نیز ضرورت دارد. نظامنامه اول دارای یک انجمن معلمین است که با اکثریت آرا تصمیم‌گیری می‌کند. در ضمن وزیر امور خارجه نیز می‌تواند هرکسی را که لایق و صلاح بداند به عضویت این انجمن معین کند. در دومی آمده است که برحسب تقاضای رئیس یا تقاضای کتبی سه نفر از معلمین مجمع مشورتی در امور مدرسه برگزار می‌شود. در اینجا بر نقش هیأت معلمین تأکید شده و آمده است که احکامی که در این نظامنامه پیش‌بینی نشده می‌تواند

مجری گردد در صورتی که این هیأت ضروری بدانند. هیأت معلمین همچنین می‌تواند با اکثریت آرا نظامنامه را تغییر دهد. از این نظر نظامنامه دوم گامی در جهت تصمیم‌گیری جمعی برداشته است.

دوم - شرایط دخول متعلمین

در بخش مربوط به شرایط دخول متعلمین در نظامنامه نخست آمده که متقاضیان ورود به مدرسه باید از خانواده‌های با شرف و با بضاعت باشند اما در دومی از این مطلب سخن نمی‌رود و لی شرط می‌کند که داوطلب باید معرف داشته باشد یا توصیه کتبی از وزارت خارجه بیاورد. شرط سنی در اولی این است که داوطلبان نباید کمتر از سیزده و بیشتر از هفده سال داشته باشند و در دومی یک سال در هر مورد اضافی شده است. ضمناً نظامنامه دوم در این باره تفصیل بیشتر دارد و آورده است که اگر کسی بخواهد به کلاس دوم وارد شود می‌تواند پانزده الی نوزده سال داشته باشد و اگر به کلاس سوم داخل شود نباید از بیست و چهار سال زیادتر داشته باشد. داوطلبان ورودی در هر دو نظامنامه باید از نظر سواد فارسی، حسن خط و صرف و نحو، فرانسه و تاریخ و جغرافیا تحصیلاتی کرده باشند. در نظامنامه نخست افراد مستمع آزاد نیز می‌توانند در درس‌های حقوق و فقه و ثروت شرکت کنند فقط باید برای هر درس هر سه ماه پانزده قران بپردازند و برای دو درس هر سه ماه دو تومان و برای سه درس بیست و پنج قران. در دومی آمده که هر شاگرد باید برای یک از سه کلاس اول مقدماتی سالیانه پانزده تومان و برای هر یک از دو کلاس مؤخراتی سالیانه مبلغ بیست و چهار تومان کارسازی کند.

در نظامنامه اول قید شده که مدرسه سی نفر دانش‌آموز می‌پذیرد و اضافه بر آن موقوف به اجازه وزیر امور خارجه است. در اینجا سخنی از پذیرش شاگرد مجانی نمی‌رود. در نظامنامه دوم آمده است که مدرسه می‌تواند ده نفر شاگرد مجانی بپذیرد ولی سخنی از میزان پذیرش متعلمین به طور کلی به میان نمی‌آورد.

سوم - ترتیب تحصیلات مدرسه

«فصل بعد در هر دو نظامنامه به ترتیب تحصیلات می‌پردازد. در این فصل نخست عنوان

درس‌ها ذکر می‌گردد. شمار درس‌ها در نظامنامهٔ دوم بیشتر است. در اولی درس‌ها عبارتند از: فقه، کلیات حقوقی، حقوق اساسی و ادارهٔ حقوق مدنی، حقوق بین‌المللی عمومی و دیپلماتی، قوانین عدلیه، علم - ثروت و مالیه، ادبیات، تاریخ عالم و ایران، جغرافی عالم و ایران، دفترداری، زبان فرانسه، مقدمات عربی و ریاضی.

در دومی درس‌های اضافه شده عبارتند از: منطق، جبر و مقابله (دو درجه)، هندسه (مسطحات)، طبیعیات مختصراً. قبلاً جبر و مقابله و هندسه تحت عنوان ریاضی جمع شده بود و معلوم است که حالا اینها را تفکیک کرده و پر وسعت آنها افزوده‌اند. با این حال در هر دو نظامنامه آورده‌اند که علوم یاد شده به اقتضای حال می‌تواند کم و زیاد شود. فقط در اولی ذکر می‌گردد که این کاست و فزود با اجازهٔ وزیر امور خارجه ممکن می‌گردد.

دورهٔ تحصیل در هر دو نظامنامه پنج سال آمده است. سه طبقهٔ اول مقدماتی و دو طبقهٔ بعد مؤخراتی است. شرط ورود به دورهٔ دوم اخذ تصدیق‌نامه قبولی دورهٔ اول می‌باشد. در این فصل برگزاری کنفرانس‌های علمی با استفاده از معلمان مدرسه یا دانشمندان خارج پیش‌بینی شده است.»

شعبهٔ شگانهٔ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

چهارم - ترتیب اوقات مدرسه

«فصل بعد در هر دو نظامنامه به ترتیب اوقات کار مدرسه می‌پردازد. مدرسه در عرض سال ده ماه دایر و دو ماه تعطیل بوده است. ابتدای سال تحصیلی در هر دو نظامنامه اول سنبله است. سپس هر دو تعطیلات را شرح می‌دهند. مدرسه صبح‌ها ساعت نه شروع به کار می‌کند به مدت سه ساعت که چهار درس گفته می‌شود. بعدازظهرها دو درس گفته می‌شود و ساعات یک و نیم شروع می‌شود. هر درس یک ساعت به طول می‌کشد و بین دو درس یک ربع فاصله است. در دومی پیش‌بینی شده که امکان دارد ساعات درس تغییر کند و در صورت لزوم برشمار آنها افزوده شود.»

پنجم - ترتیب امتحانات

«قسمت بعد به ترتیب امتحانات مدرسه اختصاص یافته است. در اولی در هر سال چهار

دوره امتحان پیش‌بینی شده و در دومی سه مرتبه. فاصله امتحانات در اولی دو ماه به دو ماه است و در دومی سه ماه به سه ماه است. سپس حضور و غیاب در امتحانات و چگونگی این امر تنظیم شده است. امتحانات به صورت کتبی و شفاهی است ولی امتحانات آخر سال برای تصدیق‌نامه و دیپلم هم کتبی و هم شفاهی پیش‌بینی شده است. بهترین نمره بیست و کمترین نمره هشت در نظر گرفته شده است. نوزده و هجده بسیار خوب هفده و شانزده و پانزده خوب، چهارده و سیزده و دوازده متوسط و از یازده تا هشت کمتر از متوسط و از هشت کمتر حکم صفر دارد. در نظامنامه اولی نمره متوسط شاگرد باید دست کم دوازده بشود به شرط آنکه در هیچ امتحانی نمره‌اش کمتر از هشت نباشد.

اخراج از مدرسه در صورتی است که شاگرد سه سال متوالی از عهده امتحان یک کلاس برنیاید. در نظامنامه اول ذکر شده است که امتحانات مربوط به دریافت دیپلم و تصدیق‌نامه به توسط معلمان و مدیر و هیأتی از جانب وزیر امور خارجه انجام می‌گیرد. دومی آورده است که امتحانات یاد شده به توسط هیأت معلمان انجام می‌شود و غیر از آنان اشخاص دیگر هم که صلاحیت دارند می‌توانند به عضویت هیأت امتحان‌کننده درآیند. معلوم می‌شود که مدرسه در این هنگام از اعتبار و حیثیت بیشتری برخوردار است.

ششم - نظام مدرسه

«نظام مدرسه در هر دو نظامنامه مطرح می‌شود. در این فصل چگونگی رفتار مطلوب شاگردان شرح داده شده و به روشنی تأکید شده است که شاگردان باید مؤدب و معقول رفتار کنند و از اولیاء مدرسه و معلمان کمال اطاعات را داشته باشند. خوردن غذا در غیر وقت نهار [ناهار] و کشیدن سیگار به طور کلی ممنوع است. شاگردان موظف هستند نظم کلاس را رعایت کنند و هیچ‌گاه نسبت به اوامر معلمان و رئیسان چون و چرا نکنند. نظامنامه خواستار اطاعت محض شاگرد از معلم و مدرسه است. چنانچه شاگردی نظم مدرسه را پاس ندارد سیاست می‌شود. گونه‌های سیاست کردن شاگردان چنین است: اول نصیحت، دوم ملامت، سوم تهدید، مرتبه چهارم شکایت نزد اولیای شاگرد و سرانجام اخراج از مدرسه. از این نظر نظامنامه اول و دوم چندان فرقی با هم ندارند. مگر آنکه در دومی مرحله سوم یعنی تهدید حذف شده است. غیبت

بی عذر موجه در هر دو نظامنامه نیز مشمول سیاست‌های یاد شده می‌شود. همچنین بی‌مبالاتی در تحصیل».

ب - نظامنامه سوم

«نظامنامه سومی هم از مدرسه سیاسی در دست است که به تاریخ دوازده شهریور یک هزار و سیصد و پنج شمسی ابلاغ شده است. این نظامنامه به امضای مشیرالدوله پیرنیا، علیقلی، دکتر محمد مصدق، عظیمی، علی‌اکبر دهخدا، اسمعیل مرآت و داود پیرنیا رسیده است. وزارت خارجه چون می‌بیند پس از اجرای قانون استخدام کشوری و تدوین نظامنامه‌های اختصاصی لازم آمده است که در نظامنامه مدرسه تغییراتی داده شود، کمیسیونی تشکیل می‌دهد با شرکت مشیرالدوله، مصدق السلطنه و میرزا حسین خان‌علاء با حضور وزیر، مدیرکل وزارت امور خارجه و رئیس مدرسه سیاسی. میرزا اسمعیل خان مرآت رئیس تعلیمات عمومی و میرزا داودخان پیرنیا نیز به این کمیسیون دعوت شدند. نظامنامه‌ای که این کمیسیون به تصویب رساند مختصرتر از دو نظامنامه پیشین است و دارای نوزده ماده است. این نظامنامه ظاهراً برخی امور را ساده‌تر کرده است. شرط سنی برای ورود به مدرسه در این نظامنامه نباید کمتر از پانزده و بیشتر از بیست باشد. متقاضیان باید تصدیق‌نامه دوره اول متوسطه را دارا باشند یا آنکه امتحان ورودی بدهند.

مدرسه همچنان به دو قسمت مقدماتی و عالی تقسیم گشته است و مدت تحصیل همچنان پنج سال (سه سال به اضافه دو سال) است. در ماده ششم فهرست دروس دوره عالی ذکر شده است که بر حق بین‌الملل و دیپلماتیک تأکید دارند، در قسمت مقدماتی (ماده پنجم) دروس شعبه ادبی دوره دوم متوسطه با توجه به زبان فرانسه تدریس می‌شود. حداکثر نمره در مدرسه بیست و حداقل آن دوازده است. امتحانات آخر قسمت عالی با نظارت وزارت خارجه صورت می‌گیرد.

ارزش دیپلم مدرسه همچنان برابر رتبه لیسانس است و دارندگان این دیپلم و سایر فارغ‌التحصیلان مدارس عالیہ سیاسی بر سایر داوطلبان خدمت در وزارت خارجه تقدم دارند».

۵- نظام آموزش و تنظیم دروس

انتخاب استاد برای تدریس از مشکل‌ترین کارها بود، و به همان سختی تنظیم دروس، برای مدرسی که هیچ‌گونه سابقه تاریخی در جامعه نداشته است. اقتباس از مدرسه‌های اروپایی هم نمی‌توانست زیاد کارساز باشد چون در آن زمان، دانشگاه‌های مغرب زمین نیز روش‌ها و برنامه‌ها و نیازهای جدید را به درستی نمی‌شناختند و در هر کشوری تنظیم دروس علوم اجتماعی و سیاسی (و علوم انسانی) بر پایه موقعیت و شرایط جامعه‌ها و فرهنگ‌ها متفاوت بود. در ایران آن روزگار، هنوز روشن نبود که اول درس‌ها را باید تنظیم کرد و آن‌گاه در پی پیدا کردن استاد بود، یا اینکه استادان و دانشمندانی بودند که باید به فراخور تخصص و علاقه‌مندیشان درسی را برای آنان پیش‌بینی کرد. با در نظر گرفتن محدودیت دروس برخلاف امروز که گسترش بسیار یافته‌اند، بر روی هم در آن مدرسه درس حقوق (= بین‌الملل) تاریخ (= مشرق زمین) و فقه جایگاه خاصی داشتند و به مرور درس‌های دیگری چون ادبیات فارسی بر آنها افزوده شدند.

درس حقوق حقیقاً به مشیرالملک تعلق داشت، اما در آن زمان درس تاریخ به صورت امروزی مطرح نبود، هر شخصی بر پایه علاقه‌مندی خود، به مطالعه تاریخ می‌پرداخت و در این رشته هم تاریخ شرق به همان شیوه‌های سنتی بیشتر مورد بررسی قرار می‌گرفت. اما برای تدریس فقه نیز مشکلاتی وجود داشت. مرحوم محبوبی اردکانی نوشته است: «برای اینکه محصلین مدرسه به کلی از حقوق اسلامی عاری نباشند، میرزا حسن خان مشیرالملک درس فقه را هم یکی از مواد تحصیلی قرار داد، اما علمای وقت ... که فراگرفتن فقه را در صلاحیت طلاب علوم دینی می‌دانستند، هیچ‌کدام تدریس فقه را در آن مدرسه تقبل نکردند. میرزا حسن خان از پای ننشست... و به مخالفین گفت مقصودم از این کار تربیت فقیه نیست بلکه می‌خواهم این جوانان را به اصول فقه اسلامی آشنا بسازم تا وقتی که به ممالک کفر رفتند از راه به در نروند و به این وسیله توفیق یافت». (محبوبی، ۱۳۵۴، ص ۴۰۲)

استادانی که در دوره‌های اول در مدرسه علوم سیاسی، درس‌های گوناگونی را تدریس کرده‌اند نام و نشان‌شان بدین شرح آمده است:

حقوق (حقوق بین‌الملل) - میرزا حسن خان مشیرالملک

در غیاب او هانس خان عمادالوزاره (رئیس دارالترجمه وزارت خارجه) و در زمان سفارت

مشیرالملک ژوزف ہنریک^۱ بلژیکی (مستشار حقوقی وزارت خارجه) فقہ - در آغاز میرزا حبیب اللہ، پس از درگذشت وی به علت بیماری سل شیخ محمدتقی اعتماد الاسلام کہ تازه از نجف آمدہ بود.

تاریخ - اردشیر جی (سرپرست پارسیان تہران) (کلیات تاریخ - تاریخ ملل شرق) و پس از رفتن او بہ ہندوستان عبدالحسین خان میرپنج (تاریخ ایران)، محبعلی خان تحصیل کردہ مدارس استانبول (تاریخ یونان و روم).

ناظم العلوم بختیاری، محمد مظاہر (صدیق حضرت) و گاہ دکتر مُرل^۲ فرانسوی و در سال ہای بعد محمدعلی خان فروغی (ذکاءالملک دوم) ریاضیات و جغرافیا - میرزا عبدالرزاق خان مهندس (مهندس بغایری) قرآن و صرف و نحو عربی - شیخ لطفعلی و میرزا محمدحسین (بہ ویژه در زمان ورود بہ مدرسہ).

زبان فرانسه - دکتر مُرل فرانسوی

علم ثروت (اقتصاد) - میرزا حسین خان مؤتمن الملک (مؤتمن الملک) ادبیات - محمدحسین خان فروغی (ذکاءالملک اول) متفرقہ - جعفرقلی خان نیرالملک (وزیر علوم) مهدی قلی خان ہدایت (در زمان ہای خاص)

(مستوفی، ۱۳۲۱، جلد ۱، صص ۷۹-۷۰)

اما در مورد منابع و کتاب ہای آموزشی، دکتر پهلوان بہ درستی آورده است: «درس ہایی کہ در مدرسہ داده می شد هیچ کدام کتاب نداشت کہ دانشجویان بتوانند با مراجعہ بہ آنها بہ فراگرفتن درس ہایی کہ از معلمان اخذ می کنند، مدد برسانند. محمدعلی فروغی کہ در این مدرسہ تدریس می کرد، می نویسد کہ اول کتاب تاریخی را کہ در صدد تہیہ برآمدند، تاریخ ملل مشرق زمین بود کہ بہ او رجوع کردند و این اول کتابی بود کہ برای مدرسہ تہیہ شد. در واقع تدریس دروس تاریخ تا آن زمان در ایران معمول نبود. فروغی خود درس تاریخ را ہم تدریس می کرد. کتاب علم ثروت را ہم کہ تدریس آن بر عہدہ مؤتمن الملک بود، فروغی از زبان

1- Hermebique.

2- Morel.

فرانسه به فارسی ترجمه کرد که این هم اول کتابی بود که به فارسی در این حوزه تهیه شد. فروغی که پدرش نیز زمانی ریاست این مدرسه را بر عهده داشت و بعد خود در سال ۱۳۲۵ به ریاست مدرسه می‌رسد به تهیه کتاب‌های درسی برای مدرسه علاقه نشان می‌دهد. او کتابی برای مدرسه تهیه می‌کند به نام «حقوق اساسی» یا آداب مشروطیت دول که نخستین متن درسی درباره انواع حکومت و اصول دموکراسی مشروطه است و از این نظر دارای اهمیت خاص است.» (پهلوان،

۱۳۷۰، جلد ۲، صص ۴۳-۴۲)

سخن پایانی

دوران معاصر تاریخ ایران و موقعیت‌های جدید بین‌المللی به لحاظ حکومتی و علمی ضرورت‌هایی را پدید آورد که در گذشته جامعه‌های مشرق زمین با آن‌ها آشنا نباشند. در دوره سلطنت فتحعلی شاه قاجار با مشخص شدن وظایفی زیر عنوان «مهام امور خارجه» و تأسیس «وزارت دول خارجه» و انتظام آن در جدایی از نهاد سنتی «منشی الممالک» و «دیوان رسایل» نخستین شکل خود را پیدا کرد و به مرور با اقتباس از کشورهای اروپایی به طور مستقیم (فرانسه و روسیه و انگلستان) و غیرمستقیم (عثمانی) تحولاتی در آن پدید آمد. مسافرت مسئولان ایرانی به خارج ارتباط‌های گوناگون با دیپلمات‌های اروپایی در ایران (رده‌های چندگانه)، ترجمه کتب و دستورالعمل‌های سیاسی، اندک‌اندک کارگزاران ایرانی را متبحر و آشنای به امور جهانی کرد. فرمان‌ها و نگارش نظامنامه‌های گوناگون ساختار و تکالیف وزارتخانه را در مسیر تغییر و تحول قرار می‌داد و نوآوری‌هایی را پدید می‌آورد.

در سال ۱۳۱۸ قمری (۱۹۰۰ م) میرزانصرالله خان مشیرالدوله نظامنامه‌ای تهیه کرد که تأسیس مدرسه‌ای سیاسی (= علوم سیاسی) به ابتکار فرزندش میرزا حسن خان مشیرالملک در آن پیش‌بینی شده بود. به زبان دیگر، تربیت کادر اجرایی برای وزارت امور خارجه، یا روشن‌تر به نوعی پاسخ‌گویی به نیاز جدید جامعه که در مجموعه دانش‌های کاربردی^۱ جای گرفته است. از سوی دیگر، جدای از جریان‌های عملی و کاربردی، تحولاتی نیز در زمینه‌های ارزشی و

آرمانی دانش‌های اساسی جدید^۱ پدید آمد که به طور طبیعی با سنت‌های دیرین فرهنگ ایرانی نیز در پیوند قرار داشت. اعزام دانشجو به خارج، ایجاد مدرسه‌های میسیونری در برخی از شهرهای ایران، ایجاد مدرسه دارالفنون تهران (۱۲۶۸ ق / ۱۸۵۱ م)، تأسیس وزارت علوم (۱۲۷۲ق/۱۸۵۵م) و انتخاب علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه که از دانشمندان عصر ناصری بود به سمت وزیر به مدت بیست و دو سال، حشر و نشر ایرانیان با جهانگردان و دیپلمات‌های اروپایی، بر روی هم شوق و ذوق مسائل سیاسی و اجتماعی را افزون‌تر ساخت. جنگ‌های ایران و روس مسائل و مشکلات منطقه‌های شرقی و جنوبی کشور، روشن شدن خواسته‌های استعماری دولت‌های غربی و شکست‌های سیاسی و نظامی و اقتصادی ایران، نیاز آشنانتر شدن با تمدن و سیاست اروپایی و تبیین علمی مسائل اجتماعی و سیاسی را بیشتر کرد به گونه‌ای که معرفت به سیاست و دانش‌های وابسته به آن در جامعه منزلت جدیدی یافت. این حالت‌های پیش آمده با آنکه نظام آموزش و پرورش را در تمام سطوح به‌ویژه در تحصیلات عالی، اندک اندک به سوی دولتی و حکومتی شدن آموزش^۲ سوق داد و استقلال مردمی نظام آموزش کهن را بر هم زد، اما دولت را در سازماندهنگی و برنامه‌ریزی و عهده‌دار شدن تمامی فعالیت‌های نهاد آموزش مصمم ساخت و در همین راستا «مدرسه عالیہ سیاسی» پدید آمد که نهادی دولتی بود و هم در جنبه عملکردی و اجرایی و هم در جنبه ارزشی و آرمانی، وظایفی بر عهده گرفت و نیروهای انسانی اداره کننده و آموزش دهنده آن نیز از بخش‌های موجه و حقانیت یافته^۳ جامعه بودند.

مدرسه عالیہ سیاسی از آغاز فعالیت تا سال ۱۳۱۳ خورشیدی فارغ‌التحصیلانی را تحویل جامعه داد که علاوه بر وزارت خارجه در بسیاری از سازمان‌های دولتی خدمت کردند. در وزارت خارجه توانستند اصول و مقررات جدید دیپلماسی را پایه‌گذاری کنند و در دیگر سازمان‌ها اندیشه و هنجارهای درست سیاسی و اجتماعی را نشان دهند. این گروه «روشنفکر» سیاسی و تنی چند از علاقه‌مندان به مسائل جامعه و حکومت انجمنی به نام «شرکت فرهنگ» ایجاد کردند که هدف آن کوشش‌های فرهنگی و علمی بود و چون از واژه انجمن به دلایل اوضاع و احوال

1- Les Siences Fonaemantale.

2- Etatisation.

3- Legitimable.

آشفته دوره مشروطیت خرسند نبودند، نام شرکت را که امروز معنای دیگری یافته است بر انجمن ترجیح داده بودند. محمدعلی فروغی (رئیس شرکت)، سلیمان میرزای اسکندری و عبدالله مستوفی و علی اکبرداور، اعضای هیأت مدیره این شرکت بودند. مرحوم عبدالحسین میرزا فرمانفرما نیز یک قطعه زمین در اختیار شرکت قرار داد و ساختمانی برای خود بنا کردند، که بعدها آن بنای فرهنگی در اختیار وزارت معارف (آموزش و پرورش) قرار گرفت. در دوره ریاست مرحوم دهخدا، این شرکت از حمایت وی و فروغی برخوردار بود و عبدالله مستوفی ریاست آن را پذیرفته بود. در سال‌های آغاز سلطنت پهلوی شرکت فعالیت‌های خود را ادامه داده است، اما در دوره دوم (بعد از انعقاد قرارداد ۱۹۳۳ م) و پدید آمدن محدودیت‌های اجتماعی و سیاسی، اعضای شرکت ادامه فعالیت و تلاش فرهنگی خود را متوقف کرده‌اند. (مستوفی، ۱۳۲۱، جلد ۲، صص ۱۶-۳۱۵)

به لحاظ انتشار اندیشه‌های نو به ویژه «عدالت خواهی» در عصر مشروطیت، کوشش‌های مدرسه، سودمندی‌هایی از خود نشان داد. مرحوم ناظم‌الاسلام کرمانی نوشته است:

«علت همراهی مشیرالدوله [میرزا نصرالله خان] به مشروطه برحسب عقیده نگارنده تأسیس مدرسه مبارکه سیاسی بود. پس از افتتاح مدرسه سیاسی و اقدام مشیرالدوله به ترقی آن مدرسه، امور مدرسه، با میرزا حسن خان مشیرالملک و میرزا حسین خان مؤتمن‌الملک بود و این دو شخص عالم متمدن علاوه بر معلومات و تحصیلات ایشان فضلا و دانشمندان مملکت اطراف آنها را گرفته، تا از خارج هم ممد و اعانت از آنها شد تا کار به جایی رسید که هواخواهان حریت از اطراف عالم چشم به این دو نفر عالم انداخته و نجات اهل ایران را منحصر به اقدام این دو نفر دانسته و این دو نفر هم الحق کوتاهی نکردند، جمع شدن فضلا و علما در مدرسه سیاسی باعث شد که مشیرالدوله متفرد شد از استبداد و همراه شد با ملت تا به مقصود رسید.» (ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۵۷، جلد ۲، ص ۵۲۶)

به لحاظ پخش اندیشه‌های جدید سیاسی و حکومتی از طریق کتاب و رسایل، مرحوم محبوبی اردکانی آورده است:

«ایجاد مدرسه علوم سیاسی موجب شد که چند کتاب در موضوعات مختلفه حقوق اروپایی ترجمه و منتشر شود. از جمله کتاب ثروت (علم اقتصاد) است که مرحوم حسین پیرنیا

از فرانسه به فارسی ترجمه کرد و نیز کتاب حقوق سیاسی که مرحوم فروغی نوشت و همچنین حقوق بین الملل عمومی که مرحوم حسن پیرنیا تدوین کرد». (محبوبی، ۱۳۵۴، ص ۴۰۴)

با آنکه هویت مدرسه عالیہ سیاسی (یا علوم سیاسی) با ادغام در مدرسه حقوق دگرگون شد و در دانشکده جدید به گونه یک رشته درآمد، اما پایگاه اصلی آن همچنان باقی ماند، و بر پایه نیازهای فرهنگی، سیاسی و دیپلماتیک در پیوند با دانشگاه و عینیت دانش پژوهی همچنان پابرجاست.

کتابنامه:

- ۱- افضل الملک، غلام حسین، (۱۳۶۱)، افضل التواریخ، به کوشش منصوره اتحادیه (نظام مافی)، سیروس سعدوندیان، تهران، نشر تاریخ ایران.
- ۲- اقبال آشتیانی، عباس، (۱۳۴۰)، میرزا تقی خان امیرکبیر، به کوشش ایرج افشار، تهران، دانشگاه تهران.
- ۳- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم، (۱۳۵۶)، تلاش آزادی، تهران، انتشارات نوین.
- ۴- پهلوان، جنگیز، (۱۳۷۰)، «مدرسه علوم سیاسی»، تهران، شماره ۲.
- ۵- تفرشی، مجید، (۱۳۷۰)، گنجینه اسناد، تهران، سازمان اسناد ملی ایران.
- ۶- خوشرو، محمود، (۱۳۷۶)، تاریخچه وزارت امور خارجه از آغاز تا پایان سلسله قاجاریه، (رساله کارشناسی ارشد)، استاد راهنما دکتر ناصر تکمیل همایون، استاد مشاور دکتر علی اکبر ولایتی، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تحصیلات
- ۷- زمانیان، علاء میر، (۱۳۱۷)، مقدمه بر سالنامه دانشکده حقوق، تهران، دانشکده حقوق.
- ۸- فروغی، محمدعلی، (۱۳۱۵)، «تاریخچه حقوق»، مجله تعلیم و تربیت، تهران، وزارت معارف.
- ۹- محبوبی اردکانی، حسین، (۱۳۵۴)، موسسات تمدنی جدید در ایران، تهران، دانشگاه تهران.
- ۱۰- محیط طبایی، سیدمحمد، (۱۳۳۹)، «نخستین وزیر امور خارجه ایران»، نشریه وزارت امور خارجه، تهران، وزارت امور خارجه.
- ۱۱- مستوفی، عبدالله، (۱۳۲۱)، شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه، تهران، نشر زوار.
- ۱۲- ناظم الاسلام کرمانی، محمد، (۱۳۵۷)، تاریخ بیداری ایرانیان، به اهتمام علی اکبر سعیدی سیرجانی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.



شپښه ښکاره علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی